

کتاب دانیال - شماره پنجاه و هفت

افشای رازهای پیامبرانه مکاشفه: سفری در میان پیشگویی‌های آخرالزمان

Jeff Pippenger

2024-01-21

همه پیامبران از پایان جهان سخن می‌گویند، و همه نبوت‌ها در کتاب مکاشفه به هم می‌پیوندند و ختم می‌شوند. در کتاب مکاشفه همان خطی دنبال می‌شود که در کتاب دانیال هست، زیرا در اصل یک کتاب‌اند. همه این اصول نبوی در مقالات پیشین به‌طور مستند ثبت شده‌اند. در کتاب مکاشفه به ما آگاهی داده می‌شود که درست پیش از پایان دوران آزمایش، نبوتی که مهر و موم شده بود گشوده می‌شود. این مقالات عناصر نبوی مرتبط با پیامی در کتاب مکاشفه را که اکنون در حال گشوده شدن است، بیان کرده‌اند. این پیام یک حقیقت نبوی واحد نیست، و هر عنصر این پیام که در حال گشوده شدن است در زمره مکاشفه عیسی مسیح قرار می‌گیرد.

پیام درست پیش از پایان دوران آزمایش، هنگامی که «زمان نزدیک است»، از مهر گشوده می‌شود. کتاب‌های دانیال و مکاشفه، در ارتباط با تفسیری برگرفته از نوشته‌های روح نبوت، درباره روند مربوط به گشودن مهر یک پیام نبوی بسیار مشخص و دقیق‌اند. این شیر قبیله یهودا است که گشودن مهر را به انجام می‌رساند و هنگامی که چنین می‌کند، از روشی ساختارمند برای ارائه پیام بهره می‌گیرد. او پیام را از پدر دریافت می‌کند؛ پدری که چنین به تصویر کشیده می‌شود که کتاب مقدس را، که با هفت مهر مهر شده است، در دست دارد. شیر قبیله یهودا، که همچنین ریشه داوود و بره ذبح شده است، کتاب را از پدر می‌گیرد و مهرها را می‌گشاید.

سپس عیسی پیام را به جبرئیل می‌دهد و او، همراه با فرشتگان دیگر، پیام را به پیامبری می‌رساند که آن را می‌نویسد و به کلیساها می‌فرستد. هنگامی که زمان گشودن مهر پیام نبوی فرا برسد، گشوده شدن آن پیام یک فرایند آزمون سه مرحله‌ای پدید می‌آورد که کسانی را درون کلیساها که مخاطبان هدف نوشته‌های پیامبرند می‌آزماید و بر اساس پاسخ فردی آن اعضای کلیسا، آنان خود تعیین می‌کنند که در یکی از دو دسته قرار می‌گیرند. کسانی که افزایش دانشی را که از گشوده شدن پیام پدید می‌آید می‌پذیرند، «خردمندان» شناخته می‌شوند، و کسانی که نمی‌پذیرند، در دانیال «شریران» و در متی «نادانان» نامیده می‌شوند.

تمام این عواملی که با برداشته شدن مهر از راز نبوتی نهایی ارتباط دارند، در آیه نهم باب هفدهم کتاب مکاشفه مطرح و مورد تأکید قرار گرفته‌اند، زیرا در آن عنصری از مکاشفه عیسی مسیح معرفی می‌شود که دو گروه از پرستندگان را خواهد آزمود. این امر با مشخص کردن این نکته انجام می‌شود که این «خردمندان» اند که پیام پس از نشانه هشداردهنده آیه را درک خواهند کرد.

در اینجا ذهنی است که حکمت دارد. سرهای هفت‌گانه هفت کوه‌اند که زن بر آنها نشسته است. و هفت پادشاه هستند: پنج تن سقوط کرده‌اند، یکی هست، و دیگری هنوز نیامده است؛ و چون بیاید، باید زمانی کوتاه بماند. و آن وحش که بود و نیست، همو هشتمی است و از آن هفت است و به هلاکت می‌رود. مکاشفه ۹: ۱۷-۱۱.

«ذهن دارای حکمت»، ذهن «خردمندان» است. «خردمندان» افزایش دانش را درمی‌یابند، و آن افزایش دانشی که بلافاصله پس از نشانه نبوی می‌آید، که حقیقتی را مشخص می‌کند که خردمندان آن را خواهند فهمید و شریران آن را رد خواهند کرد، همان حقیقت مربوط به پادشاهی‌های مطرح در پیشگویی‌های کتاب مقدس است که در آیات بعدی بیان می‌شوند. آن آیات آخرین بازنمایی

پادشاهی‌های مطرح در پیشگویی‌های کتاب مقدس را ارائه می‌کنند، و آنچه در روزهای آخر مهر آن گشوده می‌شود این است که آن هشت پادشاهی در نخستین بازنمایی پادشاهی‌های مطرح در پیشگویی‌های کتاب مقدس در باب دوم دانیال نیز بازنمایی شده‌اند.»

آشکار شدن حقیقت، دیدگاه محدود نسبت به پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس را که یکی از گوهرهای میلر به‌شمار می‌رفت، تأیید می‌کند؛ اما ده برابر درخشان‌تر جلوه‌گر شد، زیرا حقیقتی بسیار بیش‌تر از آنچه پیروان میلر از جایگاه محدود تاریخی خود دریافته بودند در بر دارد، و نمایانگر آزمونی است، چنان‌که عدد «ده» بدان دلالت می‌کند، و نیز به‌واسطه چراغ هشدار عبارت «آغازین» اینجاست ذهنی که دارای حکمت است، که از منظر نبوی چنین تفسیر می‌شود: حقیقت پیش رو کلیسای را خواهد آزمود که درست پیش از پایان مهلت، پیامی که مهر آن گشوده شده است برایشان فرستاده می‌شود.

در مکاشفه هفده، یوحنا به بیابان تاریکی پاپی هزار و دویست و شصت‌ساله برده شد. او در پایان آن دوره، در سال 1798، قرار داده شد؛ که همان مقطع تاریخی است که او در مکاشفه سیزده نیز در آن قرار داده شد.

و بر شن‌های دریا ایستادم و دیدم جانوری از دریا برخاست که هفت سر و ده شاخ داشت و بر شاخ‌هایش ده تاج و بر سرهایش نامی کفرآمیز. مکاشفه ۱:۱۳.

«شن‌های دریا» نمایانگر سال ۱۷۹۸ است، زیرا نمایانگر نقطه دید تاریخی‌ای است که در آن به یوحنا پاپیت (وحش دریا) در زمان گذشته نشان داده شد، و همچنین ایالات متحده (وحش زمین) را که در حال سربرآوردن است و سرانجام در قانون یکشنبه قریب‌الوقوع چون اژدها سخن خواهد گفت. سپس وحش زمین جهانیان را وادار می‌کند که «تصویر وحش» را بپذیرند، تا آن «تصویر» سخن بگوید و قانون یکشنبه را بر سراسر جهان اعمال کند.

"در زمانی که پاپیت، که قدرتش از او ربوده شده بود، ناگزیر شد از جفا دست بردارد، یوحنا دید که قدرتی نو سر برمی‌آورد تا پژواک صدای اژدها باشد و همان کار بی‌رحمانه و کفرآمیز را پیش ببرد. این قدرت، آخرین قدرتی که قرار است با کلیسا و شریعت خدا به جنگ برخیزد، به‌صورت حیوانی با شاخ‌های بره‌گونه نمایانده شده است. وحش پیش از آن از دریا برخاسته بودند؛ اما این یکی از زمین برآمد، که نمایانگر خیزش مسالمت‌آمیز ملتی بود که نماد آن بود — ایالات متحده." نشانه‌های زمان، ۸ فوریه ۱۹۱۰.

در فصل هفدهم، یوحنا به همان جایگاه مشرف بر تاریخ برده می‌شود تا نمایش نهایی پادشاهی‌های پیشگویی‌شده در کتاب مقدس را دریافت کند. در همان جایگاه، پادشاهی‌ها به او ارائه می‌شوند. نخست به او اطلاع داده می‌شود که وحش هم کلیسا و هم دولت را کنترل می‌کند، زیرا او نه تنها بر هفت سر، بلکه بر هفت کوه نیز نشسته است. نشستن روسپی بزرگ نشان می‌دهد که او همان کسی است که بر وحش سوار است، و آن که بر وحش سوار است همان کسی است که وحش را کنترل می‌کند.

و آن زن که دیدی، همان شهر بزرگ است که بر پادشاهان زمین سلطنت می‌کند. مکاشفه ۱۷:۱۸.

واژه «reigneth» به معنای در دست گرفتن و حکمراندن بر چیزی است. سوار با در دست گرفتن افسار، بر حیوان حکم می‌راند. دستگاه پاپی بر هفت سر و نیز بر هفت کوه فرمان می‌راند. در باب دوم دانیال، دانیال به نبوکدنصر می‌گوید که او «سر» زین است. در باب هفتم اشعیا، «سر» همچنین به یک پادشاه، پایتخت یا یک پادشاهی اطلاق می‌شود.

زیرا سر سوریه دمشق است، و سر دمشق رصین است؛ و تا شصت و پنج سال دیگر، افرایم چنان درهم شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و سر افرایم سامره است، و سر سامره پسر رملیا

است. اگر ایمان نیاورید، پابرجا نخواهید ماند. اشعیا ۷:۷، ۸.

پاپی، که همان زن سوار بر وحش است، بر همه پادشاهان زمین حکمرانی می‌کند. آن پادشاهان به صورت «ده پادشاه» تصویر شده‌اند که همان قدرت اژدها در روزهای آخرند. ایشان همان پادشاهانی‌اند که روسپی صور با آنان زنا می‌کند. آن «ده پادشاه» وادار شده‌اند اقتدار پاپی را بپذیرند، اما سرکرده آن ده پادشاه ایالات متحده است. از این رو، ایالات متحده نیز به وسیله آخاب، پادشاه ده پادشاهی شمالی اسرائیل، نمایندگی می‌شود. عدد «هفت» نمایانگر «کامل» است، و هنگامی که پاپی به صورت حاکم بر پادشاهان زمین تصویر می‌شود، او همچنین بر آن ده پادشاه حکمرانی می‌کند و بر هفت سر نشسته است.

در اینجا ذهنی است که حکمت دارد، زیرا خردمندان روزهای آخر روش «خط بر خط» را به کار می‌گیرند و درمی‌یابند که هر یک از نمادهای دستگاه حکمرانی که آن فاحشه بر آن حکم می‌راند، همان حقیقت را نشان می‌دهد. او همچنین بر هفت کوه حکم می‌راند، و میلی‌ها «کوه» را در نبوت‌های کتاب مقدس نماد یک پادشاهی دانستند، اما همچنین دریافتند که نمادها بیش از یک معنا دارند.

کوه‌ها همچنین نماد کلیسا هستند. «کوه مقدس باشکوه» در کتب مقدس نمایانگر کلیسای خداست.

رؤیایی که اشعیا، پسر آموص، درباره یهودا و اورشلیم دید. و در روزهای آخر چنین خواهد شد که کوه خانه خداوند در رأس کوه‌ها استوار گردد و بر فراز تپه‌ها برافراشته شود؛ و همه قوم‌ها به سوی آن روان خواهند شد. و بسیاری از مردم خواهند رفت و خواهند گفت: بیایید تا به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب، بالا برویم؛ او راه‌های خویش را به ما خواهد آموخت و ما در راه‌های او گام خواهیم برداشت؛ زیرا شریعت از صهیون برون خواهد آمد و کلام خداوند از اورشلیم. اشعیا ۲:۳.

«خانه خداوند» کلیسای اوست، و آن یک «کوه» است. فاحشه بزرگ بر هفت کوه نشسته است؛ به این ترتیب معلوم می‌شود که او بر همه کلیساها حکم می‌راند، همان‌گونه که بر همه پادشاهان حکم می‌راند. او بر همه کلیساها و همه دولت‌ها در سراسر جهان تسلط دارد.

رؤیایی که اشعیا از آن سخن می‌گوید و که «درباره یهودا و اورشلیم» به او آمد، همان که همین اکنون نقل کردیم، ادامه می‌یابد و در فصل چهارم نیز همان بخش است؛ و به گفته اشعیا «همان روز» است که مردم می‌گویند: «بیایید، به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب، بالا برویم.» در همان دوره زمانی «هفت زن» نیز ذکر می‌شوند.

و در آن روز، هفت زن یک مرد را خواهند گرفت و خواهند گفت: نان خود را خواهیم خورد و پوشاک خود را خواهیم پوشید؛ تنها بگذار به نام تو خوانده شویم تا ننگ ما برداشته شود. در آن روز، شاخه خداوند زیبا و پرچال خواهد بود، و ثمر زمین برای نجات‌یافتگان اسرائیل عالی و پسندیده خواهد بود. و چنین خواهد شد که هر که در صهیون باقی بماند و هر که در اورشلیم برجا بماند، مقدس خوانده خواهد شد؛ یعنی هر که در اورشلیم در شمار زندگان نوشته شده است. آنگاه که خداوند پلیدی دختران صهیون را بشوید و خون‌های اورشلیم را از میان آن به روح دآوری و به روح سوزان پاک سازد، خداوند بر هر مسکن کوه صهیون و بر محافلش، در روز ابر و دود، و در شب درخشش آتش، شعله‌ور خواهد آفرید؛ زیرا بر تمامی جلال، پوششی خواهد بود. و خیمه‌ای خواهد بود برای سایه در روز در برابر گرما، و برای جایگاه پناه، و برای سرپوشی در برابر توفان و باران. اشعیا ۴:۶.

آن «روز» که موضوع رؤیای اشعیاست، همان «ساعت» زلزله عظیم فصل یازدهم مکاشفه است. خردمندانی که اندرز «بازگشت» از ناکامی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را پذیرفته‌اند، و الزامات فصل بیست‌وششم

لاویان را برآورده‌اند، و به واسطه نخستین نبوت حزقیال گرد هم آورده شده‌اند، هنگامی که پیام دوم حزقیال درباره چهار باد اسلام را بپذیرند، مهر می‌شوند. سپس چون پرچمی به آسمان برافراشته می‌شوند، و فرزندان دیگر خدا در بابل پاسخ‌دادن به دعوت خروج از بابل را آغاز می‌کنند؛ دعوتی که با آن زلزله آغاز می‌شود، یعنی همان قانون یکشنبه قریب الوقوع. گله دیگر خدا پیام خروج از بابل را می‌شنوند و ندا می‌دهند: «بیایید، تا به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب، بالا رویم.»

در آن «ساعت»، فاحشه بزرگ شروع می‌کند به خواندن سرودهایش و با پادشاهان زمین زنا می‌کند. آنان که نامشان در کتاب حیات بره نوشته نشده است از آن فاحشه پیروی می‌کنند و کلیساهایشان زیر اقتدار او درمی‌آید. آن کلیساها، به گفته اشعیا، «هفت زن» معرفی شده‌اند. آن «هفت زن» همان «هفت کوه» اند که نهاد پاپی بر آنها حکومت خواهد کرد، در حالی که ایالات متحده سراسر جهان را وادار می‌کند تمثال وحش را برپا کند؛ تمثالی که هم سخن خواهد گفت و هم باعث خواهد شد همه نشان اقتدار پاپی را دریافت کنند.

آن «هفت زن» به یک مرد چنگ خواهند زد، و آن «مرد» همان کسی است که پولس او را «مرد گناه» معرفی می‌کند. در آن دوره آزمون، آنان که «در اورشلیم می‌مانند، مقدس خوانده خواهند شد؛ یعنی هر که در میان زندگان اورشلیم نوشته شده است.» قوم خدا در آن دوره زمانی کسانی‌اند که نام‌هایشان در کتاب حیات نوشته شده است، همان کتاب بره‌ای که از بنای جهان ذبح شد. دسته دیگر، که به «مرد گناه» چنگ می‌زنند، همان کسانی‌اند که در باب سیزدهم مکاشفه یاد شده‌اند و مرد گناه را پرستش می‌کنند.

و همه ساکنان زمین، که نام‌هایشان در کتاب حیات بره، که از بنیاد جهان کشته شد، نوشته نشده است، او را پرستش خواهند کرد. هر که گوش دارد، بشنود. مکاشفه ۱۳:۸، ۹.

«ساعت» زلزله عظیم، که همان بحران قانون یکشنبه است، پایان دآوری تحقیقی است، و مبنای دآوری این است که آیا نام شما در کتاب حیات ثبت شده یافت می‌شود یا نه؛ از این رو، در آن زمان، دو طبقه، که با نسبتشان به کتاب حیات معرفی می‌شوند، خود مشخص‌کننده صحنه‌های کاملاً پایانی دآوری‌اند. آنان که به «مرد گناه» تمسک می‌جویند، اعلام می‌کنند که «نان خود» را «خواهند خورد» و «پوشاک خود» را «خواهند پوشید»، اما خواسته اصلی‌شان این است که «به نام تو خوانده شوند».

آنها بیانیه اعتقادی خود را حفظ خواهند کرد (نان خود را می‌خورند) و هویت فرقه‌ای خود را حفظ می‌کنند (جامه خودشان)، اما نام «مرد گناه» را می‌پذیرند. نام «مرد گناه»، «کاتولیک» است، که به معنای «جهانی» است. کسانی که به «مرد گناه» تمسک می‌جویند، می‌خواهند بخشی از «کلیسای جهانی» شوند، که همان کلیسای کاتولیک است. آنها آن رابطه را می‌خواهند تا «ننگ» خود را «بردارند».

"ملامت" به دو عنصر مهم وحش می‌پردازد که در ایام آخر بر تمام کلیساها و همه قوم‌ها سلطنت می‌کند. در "ساعت زلزله عظیم" در مکاشفه باب یازدهم، "وای سوم به زودی فرامی‌رسد." "وای سوم" اسلام است. در "ساعت زلزله عظیم" در مکاشفه باب یازدهم، شیپور هفتم به صدا درمی‌آید. شیپور هفتم اسلام است. اسلام در "ساعت زلزله عظیم" ضربه می‌زند، زیرا همه شیپورها ابزارهای نبوی‌اند که خدا در سراسر تاریخ جهان برای دآوری بر عبادت اجباری روز یکشنبه به کار گرفته است.

وقتی «ویرانی ملی» ایالات متحده با فرارسیدن قانون یکشنبه نزدیک الوقوع رخ دهد، «امت‌ها خشمگین خواهند شد». این اسلام است که در پیشگویی‌های کتاب مقدس امت‌ها را به خشم می‌آورد، چنان‌که در نخستین اشاره به اسلام در کتاب پیدایش نشان داده شده است.

و فرشته خداوند به او گفت: اینک آبتن هستی و پسری خواهی زایید و نام او را اسماعیل خواهی نهاد؛ زیرا خداوند رنج تو را شنیده است. و او مردی وحشی خواهد بود؛ دستش بر ضد همه خواهد بود و دست همه بر ضد او؛ و در برابر همه برادران خود ساکن خواهد شد. پیدایش ۱۶:۱۱، ۱۲.

«ننگ» روزهای آخر، دین اسلام است. کلیساها و ملت‌های جهان زیر اقتدار نظم نوین جهانی یک سازمان ملل متحد قرار خواهند گرفت که زیر سلطه کلیسای کاتولیک است. پاپ بر کرسی نظام واحد جهانی خواهد نشست، چنان‌که کنستانتین در سال ۳۳۰ به نهاد پاپی کرسی بخشید. ملت‌ها به این نتیجه خواهند رسید که توانایی‌شان برای مقابله با جنگی که از سوی اسلام علیه بشریت به راه افتاده، تنها با تلاشی متحدانه ممکن است؛ تلاشی که مستلزم تسلیم شدن در برابر نوعی اقتدار اخلاقی است و ایالات متحده بر این پافشاری خواهد کرد که آن اقتدار، کلیسای رومی است. همان‌گونه که یوستینیان در سال ۵۳۳ اختیار عظیمی به کلیسای کاتولیک داد، تاریخ تکرار می‌شود. ایالات متحده جهان را با قدرت نظامی خود به اطاعت وادار خواهد کرد، همان‌گونه که کلویس در سال ۴۹۶ برای کلیسای کاتولیک چنین کرد. تاریخ آیه دوم باب سیزدهم مکاشفه تکرار خواهد شد.

و آن وحشی که دیدم شبیه پلنگ بود، پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود؛ و ازدها قدرت خود، تخت خود و اقتداری عظیم به او داد. مکاشفه ۱۳:۲.

هنگامی که تصویر برپا شد، آنگاه پادشاهان زمین که از حملات اسلام خشمگین شده‌اند، درخواست خواهند یافت که «ملامت» همگانی علیه اسلام که برای پدید آوردن تصویر جهانی وحش به کار رفته بود، آن «ملامتی» نبود که «مرد گناه» (ایزابیل) در حقیقت به آن توجه داشت. دیرهنگام، جهان خواهد دریافت که ایزابل هیچ اعتنایی به اسلام ندارد، بلکه دلش می‌خواهد ایلیا را بکشد، همان‌گونه که هیروودپاس یوحنا تعمیددهنده را کشت.

«ذهنی که حکمت دارد» همان «ذهن خردمندان» است، و «خردمندان» کسانی‌اند که «افزایش دانش» را درمی‌یابند؛ افزایشی که هنگامی پدید می‌آید که شیر قبیله یهودا مهر مکاشفه عیسی مسیح را می‌گشاید، درست پیش از بسته شدن دوره آزمایش.

و به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مهر مکن، زیرا زمان نزدیک است. آن‌که ستمکار است، بگذار همچنان ستمکار بماند؛ و آن‌که پلید است، بگذار همچنان پلید بماند؛ و آن‌که عادل است، بگذار همچنان عادل بماند؛ و آن‌که مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند. مکاشفه یوحنا ۱۰:۲، ۱۱.

اینکه «هفت سر، هفت کوه‌اند که زن بر آن‌ها نشسته است»، بیانگر این حقیقت است که دستگاه پاپی بر هر دو، کلیسا و دولت، حکومت خواهد کرد. نمادها بیش از یک معنا دارند و باید آن‌ها را بر پایه زمینه همان بخشی که نمادها در آن آمده‌اند تعریف و فهم کرد. این استدلال مطرح می‌شود که آیه تصریح می‌کند سرها همان کوه‌ها هستند؛ پس توجیه تمایز نهادن میان سرها (کشوردار) و کوه‌ها (کلیسایاری) چیست؟ این تمایز در فصل‌های هفت و هشت دانیال برقرار شده است. در فصل هفت، هم روم بت‌پرست و هم روم پاپی به‌عنوان «متفاوت» از وحوشی که پیش از آن‌ها بودند معرفی شده‌اند.

وقتی فصل هفتم را بر فصل هشتم منطبق می‌کنیم (سطر بر سطر)، در فصل هشتم شاخ کوچک روم را می‌یابیم که میان مرد، زن، مرد، زن در نوسان است. یک نماد (شاخ کوچک) که دو قدرت را نمایندگی می‌کند. در آن فصول، شاخ یک پادشاهی است، و پادشاهی نیز یک سر است. در فصل هشتم، شاخ کوچک نماینده دو پادشاهی است، پادشاهی چهارم و پنجم نبوت کتاب مقدس. شاخ کوچک به‌صورت نمادین دو پادشاهی را نمایندگی می‌کند، و آن دو پادشاهی پادشاهی‌هایی‌اند که

معرفی اتحاد دولت و کلیسا هستند. هفت سر، که همچنین هفت کوه‌اند، دو پادشاهی را نمایندگی می‌کنند، و یکی کلیسایی و دیگری دولتی است.

در باب دوم دانیال، شاهد دیگری بر این نمادگرایی نبوی وجود دارد؛ زیرا در آنجا پادشاهی آخر، که پیروان میلر آن را پادشاهی چهارم روم می‌دانستند، با آهن و گل نمایانده شده است. آهن و گل با هم آمیخته‌اند، هرچند در واقع آهن با گل در نمی‌آمیزد. با این حال، هنگامی که خواهر وایت درباره «آهن و گل» اظهار نظر می‌کند، آن را نمادی از کلیسایی‌گری و دولت‌داری می‌شناسد؛ همان‌گونه که شاخ کوچک باب هشتم و سرهای باب هفدهم مکاشفه، که همچنین کوه‌ها هستند، آن را نشان می‌دهند.

به زمانی رسیده‌ایم که کار مقدس خدا با پاهای آن پیکره‌ای نمایانده می‌شود که در آن آهن با گل لجن‌آلود درآمیخته بود. خدا قومی دارد، قومی برگزیده، که بصیرتشان باید تقدیس شود، که نباید با نهادن چوب و علف خشک و کاه و کلش بر بنیان، نامقدس شوند. هر نفسی که به احکام خدا وفادار است خواهد دید که ویژگی متمایز ایمان ما سبت روز هفتم است. اگر دولت سبت را چنان‌که خدا فرمان داده حرمت می‌نهد، در قوت خدا می‌ایستاد و از ایمانی که یک‌بار به قدیسان سپرده شد دفاع می‌کند. اما سیاستمداران از سبت ساختگی حمایت خواهند کرد و ایمان دینی خود را با نگاه‌داشت این مولود دستگاه پاپی درخواهند آمیخت، و آن را فراتر از سبتی خواهند نشانند که خداوند تقدیس و برکت داده و آن را برای انسان مقرر داشته تا آن را مقدس نگاه دارد، به‌عنوان نشانه‌ای میان او و قومش تا هزار نسل. درهم‌آمیزی کلیسا و دولت با آهن و گل نمایانده شده است. این اتحاد همه قدرت کلیساها را تضعیف می‌کند. این مجهز کردن کلیسا به قدرت دولت نتایج بدی به بار خواهد آورد. آدمیان تقریباً از حد بردباری خدا گذشته‌اند. قوت خود را در سیاست نهاده‌اند و با دستگاه پاپی متحد شده‌اند. اما زمانی خواهد آمد که خدا کسانی را که شریعت او را باطل کرده‌اند مجازات خواهد کرد، و کار شرارت‌بارشان بر خودشان بازخواهد گشت. تفسیر کتاب مقدس ادونتیست‌های روز هفتم، جلد ۴، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

در صحنه‌ای که کار مسیح برای ما و اتهام مصرانه شیطان علیه ما را به تصویر می‌کشد، یهوشع به‌عنوان کاهن اعظم ایستاده است و به نفع قوم خدا که احکام او را نگاه می‌دارند، درخواست می‌کند. در همان حال، شیطان قوم خدا را بسیار گناهکار جلوه می‌دهد و فهرست گناهی را که در طول عمرشان آنان را به ارتکابشان وسوسه کرده است، در برابر خدا ارائه می‌دهد و اصرار می‌ورزد که به سبب تعدیاتشان، برای نابودی به دست او سپرده شوند. او اصرار می‌کند که در برابر هم‌پیمانی شر، فرشتگان خدمت‌گزار از آنان محافظت نکنند. او از خشم لبریز است، زیرا نمی‌تواند قوم خدا را همراه با جهان در دسته‌هایی گرد آورد و ببندد تا به او وفاداری کامل نشان دهند. پادشاهان و حاکمان و والیان بر خود داغ ضد مسیح نهاده‌اند و به‌صورت آن اژدها نمایانده می‌شوند که می‌رود تا با مقدسان بجنگد، با آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و ایمان عیسی را دارند. در دشمنی‌شان با قوم خدا، نشان می‌دهند که آنان نیز در انتخاب براباس به جای مسیح گناهکارند.

"خدا با جهان مخاصمه‌ای دارد. وقتی محکمه دآوری تشکیل شود و کتاب‌ها گشوده شوند، او حساب هولناکی برای تسویه دارد که اگر آدمیان به سبب اوهام و فریب‌های شیطانی کور و افسون نشده بودند، همین اکنون جهان را به ترس و لرزه می‌انداخت. خدا جهان را به خاطر مرگ پسر یگانه‌زاده خود بازخواست خواهد کرد؛ همان که جهان عملاً دوباره بر صلیب کشیده و در آزار قوم او به ننگ آشکار افکنده است. جهان مسیح را در شخص قدیسان او رد کرده است و پیام‌های او را با رد کردن پیام‌های انبیا، رسولان و فرستادگان نپذیرفته است. آنان کسانی را که همکاران مسیح بوده‌اند رد کرده‌اند، و برای این باید حساب پس بدهند." شهادت‌ها برای خادمان، ۳۸، ۳۹.